

## شرف دین و تاریخ مطالعات تاریخی علامه سید شرف‌الدین عاملی

محمدجعفر اسلامی  
عضو حلقه علمی تاریخ اسلام

**چکیده:** سید شرف‌الدین عاملی دانش آموخته حوزه نجف و سامرا و دست پرورده عالمان بزرگ شیعه است. ایشان نقش مهمی در تقریب بین مذاهب و ادیان در جبل عامل داشته است. زمان شناسی و توجه به نیازها، نوآوری در تعریف معیارهای جدید سنجش صحت روایات و توجه به مسائل تاریخی از مهمترین ویژگی‌های اوست. الفصول المهمه، المراجعات، النصّ والاجتهاد، ابهریره و احادیث ساختگی و الكلمة الغراء فی تفضیل الزهراء از جمله مهمترین آثار منتشر شده ایشان است.

**واژگان کلیدی:** سید شرف‌الدین، حیات علمی، مطالعات تاریخی، معیارهای سنجش روایات، آثار.

### مقدمه

سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی در یکی از روزهای سال ۱۲۹۰ هـ. ق در شهر کاظمین دیده به جهان گشود. وی در دامان پرمهر مادرش زهرا صدر و تحت نظارت پدر سید یوسف شرف‌الدین که از عالمان روحانی بود، پرورش یافت. عبدالحسین یک ساله بود که پدر برای ادامه تحصیلات عالی رهسپار نجف شد. او در هشت سالگی به جبل عامل رفت و پس از چند سال در سال ۱۳۱۰ هـ. ق به همراه مادر و همسرش

به قصد ادامهٔ تحصیل عازم بغداد شد و در سال ۱۳۲۲ هـ. ق به جبل عامل بازگشت<sup>۱</sup>. او سرانجام در روز دوشنبه هشتم جمادی‌الثانی سال ۱۳۷۷ هـ. ق پس از ۸۷ سال درخشش در عالم اسلام، در بیمارستان بیروت چشم از جهان فروبست<sup>۲</sup>. علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین از جمله عالمانی است که در راه تبلیغ دین از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است. او که در خانواده‌ای از اهل علم پرورش یافته بود، پس از گذراندن دوره‌های تحصیلی و رسیدن به مقام اجتهاد به شخصیتی تأثیرگذار در جامعه تبدیل شد. پاسخ‌گویی و حل مشکلات مردم او را از تحقیق در مباحث مهم تاریخ اسلام بازداشت. امروزه آثار و تحقیقات وی در نوع خود از جمله منابع موثق و مرجع به شمار می‌روند. در این مقاله با برخی دیدگاه‌ها و آثار تاریخی ایشان آشنا می‌شویم.

### حیات علمی علامه شرف‌الدین

شرف‌الدین در شش سالگی به مکتب‌خانه‌ای در نجف اشرف رفت. صرف، نحو، لغت، معانی، بیان، بدیع، شعر، انشا، تاریخ و خط را در نزد پدر فراگرفت. وی پس از گذراندن مقدمات به توصیهٔ پدر رهسپار حوزهٔ علمیهٔ سامراء گردید و به سفارش دایی فرزانه خود آیت‌الله سید حسن صدر، در درس شیخ حسن کربلایی (متوفی ۱۳۲۲ هـ. ق) و شیخ باقر حیدر (متوفی ۱۳۳۳ هـ. ق) از اساتید برجستهٔ سامرا شرکت کرد. همچنین در درس اخلاق حکیم الهی آیت‌الله فتحعلی سلطان‌آبادی حضور می‌یافت و دل عطشناکش را از آن سرچشمهٔ عشق حق سیراب می‌ساخت. پس از بازگشت مرجع بزرگ شیعیان میرزای شیرازی به نجف، شرف‌الدین نیز به همراه عده‌ای از بزرگان علما و مدرسان راهی نجف شد. در نجف اشرف از درس فقیهان بزرگی مانند آقا رضا اصفهانی (متوفی ۱۳۲۲)، شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳)، آخوند خراسانی (متوفی ۱۳۲۹)، شیخ الشریعه اصفهانی (متوفی ۱۳۰۳)، شیخ عبدالله مازندرانی (متوفی ۱۳۳۰)، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (متوفی ۱۳۳۷)، میرزا احسین نوری (متوفی ۱۳۲۰) بهره‌مند شد. او در سی و دو سالگی موفق به کسب درجهٔ اجتهاد از فقهای طراز اول نجف، سامرا، کاظمین و کربلا شد.

۱. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، صص ۶۵۴ و ۶۵۵.

۲. همان، ص ۶۶۱.

در تاریخ نهم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۲ هـ.ق در میان استقبال گرم مردم جبل عامل به وطن قدم نهاد. نخست در شحور اقامت کرد و در کنار پدر بزرگوارش به ارشاد مردم و تدریس و تعلیم و تربیت نسل جوان همت گماشت. پس از سه سال، به دعوت مردم صور، راهی آن دیار شد. وی با تأسیس حسینیه صور آنجا را به مرکزی برای برگزاری برنامه‌های گوناگون دینی و اجتماعی تبدیل کرد. در سال ۱۳۲۷ هـ.ق کتاب الفصول المهمة فی تألیف الأمة را با هدف ایجاد وحدت بین مسلمانان نگاشت. این اثر، اولین کتاب در موضوع تقریب مذاهب اسلامی بود. به گفته آقا بزرگ تهرانی، شرف‌الدین پس از تألیف این کتاب نیز همواره به این موضوع توجه داشته و تلاش‌های زیادی در این زمینه انجام داده است.<sup>۱</sup>

آیت‌الله محمد یزدی در مقدمه خود بر این کتاب آن را اینگونه معرفی می‌کند: «هنگامی که به این اثر نفیس می‌نگریم، چنان شیفته و فریفته زیبایی و ریزه‌کاری‌های آن می‌شویم که نمی‌دانیم باید از نیرومندی و مهارت استادی نویسنده سخن بگوییم یا از چشم‌گیری و ارزش اثر او؟ این کتاب آن قدر دقیق نگاشته شده است که هر خواننده‌ای را مجذوب خود می‌کند. چهره جذاب و گیرای نویسنده چنان در لابلای فصل‌ها و جملات جلوه کرده است که گویا تمام افکار و عقاید اساسی و پرارزش شیعه را یکجا گردآورده است».<sup>۲</sup>

اثر دیگر او که باعث تحول عظیمی در بین اهل سنت شد، المراجعات است. این کتاب حاصل نامه‌نگاری شرف‌الدین و مفتی و رییس سابق دانشگاه الازهر مصر، سلیم البشیری است. در ۱۱۲ نامه‌ای که کتاب از آن شکل گرفته، بحث‌های مهمی پیرامون مبانی و عقاید شیعه صورت گرفته است. دکتر حامد حنفی در مقدمه‌ای که بر کتاب المراجعات نوشته می‌گوید: «اهمیت کتاب المراجعات مربوط به زمان انتشار آن است. کتاب در دهه‌های سوم و چهارم قرن چهاردهم منتشر شد. در فترتی بحرانی و خطرناک که ایادی استعمار با سرنوشت مسلمانان بازی می‌کردند و بهترین راه برای رسیدن به اهداف پست خود را ایجاد تفرقه در بین مسلمانان و بهره‌گیری از اختلافات مذهبی می‌دیدند. آنان می‌کوشیدند تا از این راه عظمت جهان اسلام را پامال کنند».<sup>۳</sup>

برای آشنایی بیشتر با مقام علمی شرف‌الدین به نمونه‌هایی از کلام بزرگان درباره

۱. محمدقاسم مبارز، بررسی تقریب الأمة در الفصول المهمة، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۲۹.

۳. محمد اکرمی، سیمای شرف‌الدین، صص ۷۲ و ۷۳.

وی اشاره می‌کنیم:

شیخ مرتضی آل‌یاسین در نامه‌ای به شرف‌الدین چنین می‌نویسد: «سرورم! ای نگهبان دین و بزرگ خادم مذهب تشیع، پیشوای علم و دین، حجت‌الاسلام و المسلمین، آیت‌خداى جهان، جانم فدای تو باد»<sup>۱</sup>.

امام خمینی بعد از شنیدن خبر ارتحال مرحوم شرف‌الدین، با تعطیل کردن درس فرمودند: «هشام بن حکم زمان ما از دنیا رفت»<sup>۲</sup>.

آیت‌الله خوبی در این باره می‌فرماید: «یک بار در لبنان هنگام شرفیابی به زیارت خانه خدا و بار دیگر هنگامی که به زیارت نجف اشرف تشریف آورده بودند، با او ملاقات کردم. در هر دو بار فضایل اخلاقی او را در مرتبه‌ای از عظمت دیدم که برابری با آن نمی‌توان کرد و از نظریات چنان محکم و بزرگی برخوردار بود که به پایه آن نمی‌توان رسید. کسی جهاد او را در راه اعتلای کلمه اسلام نمی‌تواند نادیده بگیرد. در دفاع از شریعت اسلامی و یاری مذهب حقه جعفری و دعوت به اصلاح و پیشرفت، همواره توفیق یار او بود. خدا بهترین پاداش نیکوکاران را به ایشان اعطا کند»<sup>۳</sup>.

شیخ سلیم بشری - مفتی بزرگ الازهر - درباره شرف‌الدین می‌گوید: «سلام بر علامه بزرگ عبدالحسین شرف‌الدین موسوی ... من در طول عمر خود هرگز به چگونگی اوضاع داخلی شیعه نپرداختم و اخلاقتان را نیازموده بودم؛ زیرا من با آنها و در اجتماعشان و کشورهايشان زندگی نکرده بودم، اما همیشه علاقه داشتم که با دانشمندان آنها به بحث و گفتگو بنشینم و در میان مردمان آنان باشم و از دیدگاهها و خواسته‌های آنها مطلع گردم ... تا اینکه تقدیر الهی مرا به ساحل اقیانوس وجود تو رساند. اجازه می‌خواهم که دل به این دریا بزنم و در آن غوطه‌ور شوم و از جوهر گران‌بهای آن به قدر توان خود سهمی بردارم»<sup>۴</sup>.

### نگرش و روش مطالعات تاریخی سید شرف‌الدین

علامه شرف‌الدین با اینکه مجتهدی مسلم در فقه بود، اما یکی از دغدغه‌های اصلیش پرداختن به مسائل تاریخی و رفع شبهه‌های تاریخی است. وی در مقدمه‌ای

۱. همان، ص ۷۰.

۲. همان، ص ۷۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۷۰.

که بر کتاب صلح امام حسن علیه السلام نگاشته است، چنین می نویسد: «شگفت آنکه مردم تاکنون هنوز درباره این صلح دچار اشتباه و کج بینی اند و کسی نبوده است که با بررسی کامل و با استناد به دلایل و شواهد عقلی و نقلی، سیمای واقعی این صلح را روشن سازد. من بارها درصدد انجام این کار بوده ام، ولی مشیت حکیمانه خدای عزوجل بر این قرار داشت که کسی را که از همه رو سزاوارتر و شایسته تر است، برای این کار برانگیزاند و او فراهم آورنده این کتاب - صلح الحسن علیه السلام - است که به حق، در این موضوع سخن آخرین است»<sup>۱</sup>. از این گفته که بارها درصدد انجام پژوهشی در این زمینه بوده است، می توان میزان توجه او به مسایل تاریخی را دریافت.

آقابزرگ تهرانی در ستایش تحقیق تاریخی سید شرف الدین می گوید: «واختص بالدراسات الشيعية، فوقف نفسه و قلمه لها و غرل تاريخ الإسلام غرلة دقيقة ميز فيها غثه من سمينه و نخل حوادثه و وقائعه صغيرة و كبيرة فعرف الصحيح من المزيف و الحقيقة الثابتة من الوهم و الخيال».

شرف الدین خود را وقف این کار ساخت و برای انجام آن، اسناد و مدارک و نوشته های تاریخی را به دقت مطالعه و غربال کرد تا سره را از ناسره باز شناخت و حقیقت مسلم را از اوهام و اخیال جدا کرد<sup>۲</sup>.

تاریخ و حدیث در اسلام ارتباط تنگاتنگی دارند به گونه ای که می توان بسیاری از حقایق تاریخی را از متون حدیثی به دست آورد. به همین دلیل، احاطه شرف الدین بر منابع حدیثی اهل سنت باعث شده است تا در همه جا از عهده بحث های تاریخی به خوبی برآید<sup>۳</sup>.

### ۱. شرایط پذیرش روایت راویان

شرف الدین هر روایت تاریخی را قابل پذیرش نمی داند. به عقیده او ملاک پذیرش و رد روایات یک راوی، اصل راستگویی و امانت داری اوست نه عقیده مذهبی اش. همچنین راوی باید ثقه، حافظ، ضابط، (نامه ۱۶) اهل ورع (نامه ۱۱۰) مورد اعتماد، دقیق در حفظ و ضبط، محتاط، دارای زهد در عبادت، تهذیب نفس و اخلاق نیکو

۱. مرتضی آل یاسین، صلح الحسن با مقدمه سید عبدالحسین شرف الدین، ص ۸.

۲. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۶۸.

۳. این ادعا کاملاً از بعضی از آثار او مانند تعلیقه علی صحیح البخاری و تعلیقه علی صحیح المسلم ثابت می شود.

(نامه ۱۴) باشد.<sup>۱</sup> بر اساس همین دلیل، شرف‌الدین دیدگاه پذیرش روایت صحابی را فقط به خاطر صحابی بودن نپذیرفته است. با همین نگرش کتاب ابوهریره و احادیث ساختگی را تألیف کرد و چهل حدیث ابوهریره را نقد کرد. همچنین در مواردی صحت برخی وقایع تاریخی را به خاطر نبود این شرایط رد می‌کند. مثلاً خبر رحلت پیامبر که تنها راوی آن عایشه است را با دلایل قوی رد کرده و می‌گوید: عایشه، کینه امیرالمؤمنین علیه السلام را به دل داشته است. دیگر آنکه خبر او با اخبار دیگر تعارض دارد.<sup>۲</sup>

## ۲. اجماع

شرف‌الدین خبر تاریخی‌ای که مؤید به اجماع باشد را می‌پذیرد. چنان‌که مثلاً در کتاب النصوص الجلیة فی الإمامة العترة الطاهرة بیان می‌کند که در این کتاب هشتاد نص وجود دارد که چهل نص صحیح آنها مؤید به اجماع مسلمانان است. نیز در کتاب تنزیل الآيات الباهرة فی فضل العترة الطاهرة، صد آیه درباره اهل بیت علیهم السلام و روایات صحیحی که بر آنها اجماع وجود دارد را آورده است.<sup>۳</sup>

## ۳. ناسازگاری برخی گزارش‌های تاریخی با مبانی کلامی

از جمله راه‌های سنجش صحت و سقم اخبار تاریخی، عرضه آنها بر مبانی کلامی و اعتقادی است. شرف‌الدین در بعضی از موارد، گزارش‌های تاریخی را با باورهای مسلم کلامی سنجیده است و از این راه نادرستی آن گزارش‌ها را نشان داده است. این روایات از این جمله است: از عایشه نقل شده است: «سودانی‌ها در مسجد با وسایل جنگی مشغول بازی بودند. پیامبر فرمود: دوست داری تماشا کنی. گفتم: بلی، او مرا به دوش خود سوار کرد در حالی که گونه‌اش بر گونه‌ام بود. آنان را تحریک می‌کرد تا بازی را گرم‌تر کنند که من لذت ببرم تا اینکه خسته شدم. گفت: بس است؟ گفتم: بلی.» یا او نقل کرده است که: «با پیامبر مسابقه دو گذاشتیم. من از او بردم. پس از آن صبر کردیم تا وقتی من لاغر شدم باز مسابقه دادیم او برنده شد. به من گفت: این به آن در.» شرف‌الدین این روایات را نپذیرفته است. در حقیقت این گزارش‌های تاریخی عایشه با عصمت رسول خدا و رسالت حضرت تنافی دارد. یا اخباری که ابوهریره از

۱. همان، ص ۹۱.

۲. همان، ص ۹۲.

۳. همان، ص ۹۴.

رسول خدا نقل کرده است با مقام قدسی پیامبر ناسازگار است و با باورهای کلامی و اعتقادی مسلم سازگاری ندارد. او در کتاب ابوهیره نیز بیشتر روایات را از این جهت مورد بررسی قرار داده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. کینه و دشمنی سبب کتمان بعضی از واقعیات تاریخی

در تاریخ صدر اسلام به‌ویژه در مسأله خلافت پس از پیامبر حقایق بسیاری به دلیل کینه و دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام مکتوم مانده است. شرف‌الدین از این مسایل غفلت نکرده و آنها را مورد بحث قرار داده است. وی درباره حدیث غدیر می‌گوید: در زمان خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام آن حضرت مردم را در رحبه گرد آورد و آنان را سوگند داد که به آنچه در روز غدیر از پیامبر شنیده‌اند و دیده‌اند شهادت دهند، سی نفر از صحابه که دوازده نفر از آنان از جنگ‌آوران بدر بودند، شهادت دادند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه...». توجه داشته باشید ربع قرن از جریان غدیر گذشته است و بسیاری از آنان که شاهد ماجرا بوده‌اند، از دنیا رفته‌اند. با این حال سی نفر شهادت داده‌اند، ولی عده‌ای به سبب دشمنی با حضرت شهادت ندادند؛ از جمله انس بن مالک و بعضی هم گرفتار نفرین امام شدند.<sup>۲</sup>

شرف‌الدین ماجرای یوم الرزیه را نقل می‌کند و از منابع اهل سنت سند آورده است که عمر در پاسخ رسول خدا که فرمود: «قلم و کاغذی بیاورید تا چیزی بنویسم تا پس از مرگم گمراه نشوید»، گفت: «إِنَّ النَّبِيَّ يَهْجُر». از این روی، اهل سنت سخن عمر را نقل به معنی کرده‌اند و گفته‌اند: «إِنَّ النَّبِيَّ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ» تا با تصرف در الفاظ روایت از ناپسندی سخن عمر بکاهند. این کار را جوهری در کتاب السقیفه انجام داده است. آنچه باعث توجه به این مطلب شده است محدثانی‌اند که نام عمر را در روایت ذکر نکرده‌اند.<sup>۳</sup>

#### معرفی آثار تاریخی

اظهارنظرهای شرف‌الدین منحصراً در کتاب‌های تاریخی او نیامده و برخی از آنها را در کتاب‌های اعتقادی مانند النصوص الجلیة، المراجعات و ... آورده است.

۱. همان، ص ۹۴. (المراجعات، نامه ۱۹۲).

۲. همان، ص ۹۵.

۳. همان. (المراجعات، نامه ۸۶).

## نگاهی به آثار تاریخی

### ۱. ابوهریره

این کتاب دربارهٔ ابوهریره و احادیث ساختگی اوست. وی که احادیث ساختگی اش موجب بسیاری از تحریفات در زمینهٔ مسایل اعتقادی، احکام و همچنین حوادث صدر اسلام است، روایات بیشتری از دیگر اصحاب نقل کرده است. فقط در صحیح بخاری چهارصد و چهل و شش حدیث از او نقل شده است.<sup>۱</sup> همین امر سبب شده است که شرفالدین به نقد احادیث جعلی و ساختگی او بپردازد. در این نقد شرفالدین چهل حدیث ابوهریره را نقد می‌کند و اثبات می‌کند که حدیث مسند او در حکم مرسل است. در مقدمهٔ المراجعات دربارهٔ آن آورده است: «این کتاب گام جدید و جامعی است در شرح حال نویسی تحلیلی ... در این کتاب پیرامون زندگانی ابوهریره و زمان او و احادیثی که نقل کرده است مورد پژوهش قرار گرفته است.» نیز در مقدمهٔ کتاب النص والاجتهاد چنین آمده است: «این کتاب گام نوینی است در فهم و نقل احادیث نبوی. پس از انتشار آن دانشمند مصری شیخ ابوریّه نیز کتابی را با عنوان شیخ المضیره در همین موضوع نوشت»<sup>۲</sup>. به تعبیر استاد دوانی وی حق مطلب را در این زمینه ادا کرده است.<sup>۳</sup> شیخ عبدالله علائلی دربارهٔ کتاب ابوهریره می‌گوید: «... فالکتاب أدق ما کتب مثل موضوعه و هو أكبر قيمة من أن یکتفی بهذا التعریف الیسیر». احمد امین مصری هم در این باره گفته است: «نحن نحمد للمؤلف جهده الكبير و تحلیله المفصل الدقیق و إطلاعہ الواسع و نظرتہ الشاملة فی الموضوع»<sup>۴</sup>.

اقدام تحسین برانگیز شرفالدین در تألیف این کتاب باعث شد تا افراد دیگری پس از وی دست به تحقیق در این موضوع زدند که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ المضیره، نوشته شیخ ابوریّه که با عنوان بازرگان حدیث به فارسی برگردان شده است. ابوریّه با الهام از پژوهش‌های شرفالدین کتاب «أضواء علی السنّة المحمدیّه را نیز نگاشته است.

۲. اکثر ابی‌هریره، نوشتهٔ دکتر مصطفی بوهندی. وی در این کتاب چهل و پنج صفحه‌ای، صحابی بودن ابی‌هریره را رد می‌کند و اثبات می‌کند که او از کسانی است

۱. علامه سید عبدالحسین شرفالدین، ابوهریره و احادیث ساختگی، ترجمه: نجف‌علی میرزایی، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱۳، ص ۶۷.

۴. سید ابوالحسن مطلبی، کتابشناسی توصیفی آثار شرفالدین، ص ۱۵۸.



- که پس از وفات پیامبر اسلام آورده است.
۳. ابوهریرة فی التیار، نوشته عبدالله السبیتی. این کتاب ردیه‌ای است بر کتابی که در رد کتاب ابوهریرة شرف‌الدین نوشته شده بود.
۴. ابوهریرة القادم من المجهول، نوشته سید محمدعلی الحلو.
۵. رشید رضا از مفسران اهل سنت در مجله المنار و نیز تفسیر المنار به نقد ابوهریرة پرداخته است. بخش‌هایی از نقد ایشان را ابوریة در شیخ المضیرة آورده است.<sup>۱</sup>
۶. مرحوم سلطان الواعظین نیز در شب‌های پیشاور درباره ابوهریرة مطالبی را مطرح کرده است.<sup>۲</sup>
- کتاب ابوهریرة از سوی مؤسسه‌های انتشاراتی گوناگونی چاپ شده است که مهم‌ترین آنها از این قرارند:
۱. مطبعة الجیدریه، صیدا، ۳۳۰ صفحه، سال ۱۳۶۶ ه.ق.
۲. مطبعة العرفان، صیدا، ۳۳۰ صفحه، سال ۱۳۷۵ ه.ق.

## ۲. مؤلفوا الشیعة فی صدر الاسلام

این کتاب تحقیقی درباره پیرامون نخستین مؤلفان و نویسندگان شیعه است. کتاب مجموعه مقالاتی است که برای نخستین بار در مجله العرفان در صیدا به چاپ رسیده و اکنون به صورت رساله‌ای جدا انتشار یافته است. حجت‌الاسلام سید احمد حسینی اشکوری در مقدمه‌ای که به سال ۱۳۸۵ ه.ق بر این کتاب نوشته است، چنین می‌گوید: «این کتاب، گوهر درخشان دیگری از تألیفات شرف‌الدین رحمته الله است که نخستین بار، در حدود نیم قرن پیش در صفحات تابان مجله العرفان، سال اول و دوم به چاپ رسیده است. موضوع آن، در این کتاب نام مؤلفان شیعه در عصر نبوت و سپس عصرهای دیگر تا عصر امام هادی علیه السلام آورده شده است. بیشتر مطالب نیز از منابع اهل سنت گرفته شده است»<sup>۳</sup>.

این کتاب به سال ۱۳۸۴ ه.ق در نجف توسط مطبعة النعمان چاپ شده است. همچنین دار الکتب الاسلامی در سال ۱۳۶۹ این کتاب را در ۳۴۴ صفحه به چاپ رسانیده است.

۱. شیخ المضیرة، صص ۲۶۰-۲۶۳.

۲. مهدی لطفی، ردیه‌های ابوهریره، مجله آیین پژوهش، ش ۸۹ (اسفند ۱۳۸۲)، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۳. محمدرضا حکیمی، شرف‌الدین، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

### ۳. بغية الراغبين في سلسلة آل شرف‌الدین

کتابی است ادبی، تاریخی، رجالی، در شرح حال عالمان خاندان شرف‌الدین. این خاندان با ۳۱ واسطه به ابراهیم المرتضی فرزند امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسند. همچنین شرح حال افرادی از خاندان صدر و آثار و احوال و استادان و شاگردان آنان نیز بیان شده است. شیخ مرتضی آل یاسین در مورد این کتاب می‌گوید: «إنه تاریخ أجيال بتاریخ رجال» تاریخ عصرها و نسل‌هایی چند، به نام شرح زندگانی مردانی از آل شرف‌الدین تدوین یافته است.<sup>۱</sup>

این کتاب به تحقیق سید عبدالله شرف‌الدین در دو جلد از سوی دار الاسلامیه در بیروت به سال ۱۴۱۱ هـ.ق به چاپ رسیده است.<sup>۲</sup>

### ۴. عقيلة الوحي

این اثر درباره زندگی حضرت زینب علیها السلام نگاشته شده است. این اثر در پی ساختن ضریحی برای مرقد مطهر آن حضرت به دست ایرانیان نگاشته شده است. مؤلف در بخشی از این رساله با استناد به آیات و روایات، ایرانیان را ستوده است. در فرازی می‌خوانیم: ایران و ما أدراک ما ایران. این کتاب در دمشق از سوی انتشارات مطابع ابن‌زیدون در ۳۱ صفحه به چاپ رسیده است. این کتاب را آقای محمدرضا مهری با عنوان عقيلة خاندان وحي به فارسی برگردان کرده است.

### ۵. المجالس الفاخرة في مآتم العترة الطاهرة

بخش‌های اصلی کتاب شامل: شرح زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ شرح زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام؛ شرح زندگانی حضرت زهرا علیها السلام؛ شرح زندگانی امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام و شرح زندگانی امامان دیگر که در چهار جلد تنظیم شده بود، از بین رفته است و فقط مقدمه‌ای که سید بر آن نوشته بر جای مانده است. در این مقدمه پیرامون نهضت عاشورا و تأثیر آن در بقای اسلام، فلسفه سیاسی، اجتماعی و تربیتی گرامی داشت شعایر حسینی و تشریح رمز و راز گریه و سوگواری برای سید و سالار شهیدان مطالبی آرایه شده است.

این مطالب در قالب کتابی با مقدمه و تعلیقات سید نورالدین میلانی در سال ۱۳۷۸

۱. همان، ص ۱۰۹.

۲. سید ابوالحسن مطلبی، کتابشناسی توصیفی آثار شرف‌الدین، ص ۱۶۳.

هـ.ق به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup> همچنین با مقدمه سید محمد بحر العلوم نیز در سال ۱۳۸۶ هـ.ق به چاپ رسیده است. از این کتاب دو ترجمه فارسی هم وجود دارد. یکی با عنوان فلسفه شهادت و عزاداری حسین بن علی علیه السلام ترجمه علی صحت و دیگری با عنوان سوگنامه امام حسین علیه السلام ترجمه سید ابراهیم سید علوی.<sup>۲</sup>

### دیگر آثار علامه سید شرف‌الدین

آثار شرف‌الدین را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: (۱) آثار منتشر شده؛ (۲) آثاری که به دست فرانسویان سوزانده شده است. او درباره این فاجعه غم‌بار گفته است: «غم از دست دادن فرزند چه بسا از دل رخت بریندد، اما غم از دست دادن فکر و زاده‌های اندیشه تا روزگار باقیست، باقیست.»

### آثار منتشر شده

۱. الفصول المهمه (بررسی راه‌های ایجاد اتحاد بین مسلمانان)؛
  ۲. الكلمة الغراء فی تفضیل الزهراء.
- رساله‌ای است درباره مقام والای حضرت زهرا علیها السلام. این کتاب بارها در صیدا و نجف به همراه الفصول المهمه به چاپ رسیده است و به صورت مستقل از سوی مؤسسه امام صادق علیه السلام با مقدمه علی موسوی نجفی بستانی در ۸۵ صفحه منتشر شده است. از این کتاب چندین ترجمه به فارسی آرایه شده است؛ از جمله:
- فاطمه برترین بانو، ترجمه حبیب‌الله رهبر اصفهانی، با مقدمه محمد یزدی، ترجمه الكلمة الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام، ترجمه محسن بیدارفر، بانوی بهشت، ترجمه خدیجه مصطفوی و سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه سید محمدرضا مهری. آقای سید اولاد حیدر فوق بلگرامی کتاب را به اردو هم ترجمه کرده که با عنوان الزهراء به چاپ رسیده است.<sup>۳</sup>
۳. المراجعات (۱۱۲ نامه بین شرف‌الدین و سلیم البشری پیرامون شیعه).
  ۴. النص و الاجتهاد (پیرامون اعمال نظرهای شخصی در صدر اسلام در مقابل نص آیات و روایات).

۱. همان، ص ۱۷۰.

۲. همان.

۳. سید ابوالحسن مطلبی، کتابشناسی توصیفی آثار شرف‌الدین، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۵. فلسفة الميثاق و الولاية (این کتاب در پاسخ به پرسش حاج شیخ عباسقلی واعظ تبریزی از مرحوم علامه شرف‌الدین درباره آیه ذر نگاشته شده است).<sup>۱</sup>
۶. أجوبة مسایل جار الله (این کتاب در پاسخ به پرسش‌ها و شبهه‌های موسی جارالله نوشته شده است).<sup>۲</sup>
۷. مسایل فقهیه (پیرامون چند مسأله فقهی که فقهای مذاهب اسلامی در آنها اختلاف نظر دارند).<sup>۳</sup>
۸. كلمة حول الرؤية (بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره رؤیت خداوند و استدلال علمای امامیه بر امتناع رؤیت و ...).<sup>۴</sup>
۹. إلى المجمع العلمي العربي بدمشق (در جواب به مطالب تفرقه‌انگیزی که در یکی از نشریات وابسته به مجمع علمی عربی دمشق نوشته شده است).
۱۰. ثبت الإثبات فی سلسلة الرواة (درباره معرفی مشایخ و استادان خود علامه سیدشرف‌الدین است).
۱۱. المسح علی الأرجل أو غسلها فی الوضوء (بررسی اختلافات فقهای مذاهب اسلامی در شیوه گرفتن وضو).<sup>۵</sup>

#### آثار از دست رفته

۱. تحفة المحدثین فیما أخرج عنه السنة من المضعفین (یعنی هدیه‌ای برای اهل حدیث در شناخت راویان ضعیفی که در صحاح سته از آنها حدیث نقل شده است).<sup>۶</sup>
۲. تعلیقة علی الاستصحاب.
۳. تعلیقة علی صحیح البخاری.
۴. تعلیقة علی صحیح المسلم.
۵. تنزیل الآیات الباهرة (این کتاب درباره صد آیه از قرآن کریم است که بنا بر نوشته‌ها و اسناد کتب صحاح اهل سنت درباره ائمه طاهرین علیهم‌السلام نازل شده‌اند).<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۱۷۸.

۲. همان، ص ۱۶۰.

۳. همان، ص ۱۷۷.

۴. همان، ص ۱۶۹.

۵. همان، ص ۱۷۸.

۶. همان، ص ۱۸۱.

۷. همان.

۶. زکاة الأخلاق.
۷. سبیل المؤمنین.
۸. شرح التبصرة.
۹. النصوص الجليلة فی الإمامة.
۱۰. تفسیر آیه المودّة.
۱۱. تفسیر آیه إنّما ولیکم الله و رسوله.
۱۲. تحفة الأصحاب در حکم اهل کتاب.
۱۳. بغية الفائز فی نقل الجنائز (بیشتر آن در نشریه العرفان چاپ شده است. این کتاب در نقد و رد کتاب تحریم نقل الجنائز المتغيرة اثر سید محمدعلی هبة‌الدین شهرستانی نگاشته شده است).<sup>۱</sup>
۱۴. سرّ بغية السائل عن لثم الأیدی و الأنامل (مشمول بر هشتاد حدیث که از طریق اهل سنت و شیعه نقل شده است).
۱۵. الفوائد و الفرائد.
۱۶. الذریعة فی الرد علی البديعة (در نقد کتاب بدیعه بنهانی).<sup>۲</sup>
۱۷. رسالة فی منجزات المریض.
۱۸. رسالة فی الموارث.
۱۹. الاسالیب البديعة فی رجحان ماتم الشيعة (مشمول بر دلایل عقلی و نقلی درباره رجحان عزاداری شیعه).<sup>۳</sup>
۲۰. مؤلفوا الشيعة فی صدر الاسلام

### تقریظات

- شماری از نوشته‌های سید را می‌توان تقریظات و مقدماتی دانست که وی بر کتاب‌های ارزشمند دیگری نگاشته است، از جمله:
۱. الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، نوشته علامه امینی.
  ۲. صلح الإمام الحسن علیه السلام، نوشته شیخ راضی آل یاسین.
  ۳. اسلام در پرتو تشیع، نوشته حسین خراسانی نجفی. این کتاب را آقای نجفعلی

۱. همان، ص ۱۸۲.

۲. همان.

۳. همان.

میرزایی به فارسی برگردان کرده است و در سال ۱۳۷۲ ش از سوی انتشارات هجرت در قم به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup>

### نتیجه

از آنچه گفته شد، می‌توان تفاوت آثار علامه سید شرف‌الدین را با کارهای پیشینیان در دو نکته دانست: ۱. توجه به نیازهای روز جامعه و جهت‌دهی تحقیقات بر اساس این نیازها، ۲. به‌کارگیری دانش‌های مختلفی همچون رجال، درایه، کلام و فقه در تحلیل مسایل تاریخی. این دو نکته سبب شده است تا علامه شرف‌الدین عاملی به نگرش‌های نوینی در عرصه تاریخ اسلام دست یابد.

### منابع

۱. آل یاسین، مرتضی، صلح الحسن، ترجمه: سید علی خامنه‌ای، آسیا، تهران، ۱۳۵۴.
۲. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه، گلشن ابرار، معروف، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۵.
۳. حکیمی، محمدرضا، شرف‌الدین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰.
۴. دوانی، علی، مفاخر اسلام، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳.
۵. شرف‌الدین، سید عبدالحسین، ابوهریره، ترجمه: نجف‌علی میرزایی، هجرت، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۶. لطفی، مهدی، ردیه‌های ابوهریره، مجله آیین پژوهش، شماره ۸۹ و ۹۰، اسفند ۱۳۸۳.

۱. مجید غلامی جلیسه و سید مهدی طباطبایی، کتابشناسی اجمالی علامه شرف‌الدین، ص ۱۸۳.